

تاریخ مذکر



- نویسنده: رضا براهنی
- آخرین چاپ: انتشارات: تعداد صفحات:

رضا براهنی «تاریخ مذکر» را با طرح این ایده آغاز کرده که ایرانیان در دورانی که این کتاب نوشته شده، یعنی اواخر دهه ۴۰ خورشیدی، در دوران «تشتت فرهنگی» زندگی می‌کرده‌اند. براهنی برای تعریف آنچه تشتت فرهنگی نامیده، چنان که خود در بخش اول کتاب عنوان کرده «نخست به گذشته» و «عواملی در گذشته که هسته‌های تشتت فرهنگی را پروراندند» نقب زده و کار را با مقایسه گذشته ایران و گذشته یونان آغاز کرده.

طلا در مس



- نویسنده: رضا براهنی
- آخرین چاپ: ۱۳۹۳
- انتشارات: نگاه
- تعداد صفحات: ۳۷۵

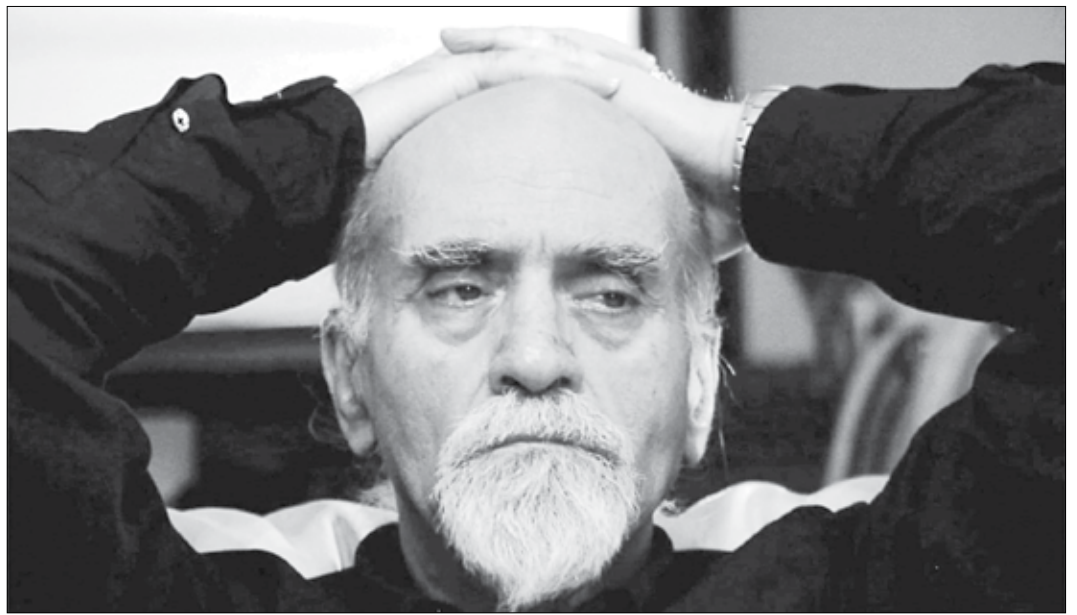
نویسنده درباره این کتاب تصریح می‌کند: طلا در مس با عصر خود، در کنار عصر خود، در میان حرکات و سکانات عصر خود نوشته شده، و به همین دلیل، انگار در ذات و در هستی آن عصر بود که طلا در مس نوشته شد. رشد آن متناسب با رشد آثار شعری عصر خود بوده است. طلا در مس تذکره الشعرا هم نیست، تاریخ زندگی آدم‌ها، افکار و عقاید را نمی‌دهد، بلکه به ساختارهای آثار و تفکر آفرینندگان آن‌ها می‌پردازد...

قصه‌نویسی



- نویسنده: رضا براهنی
- آخرین چاپ: ۱۳۹۹
- انتشارات: نگاه
- تعداد صفحات: ۶۸۰

«قصه‌نویسی» از مدرن‌ترین آثار آموزش داستان‌نویسی به زبان فارسی محسوب می‌شود. با وجود اینکه از عمر کتاب «قصه‌نویسی» چیزی بیش از نیم قرن می‌گذرد، اما همچنان اثری خلاقانه و نوگرا به حساب می‌آید و بارها جهت تجدید چاپ، مورد ویرایش و بازبینی قرار گرفته است. نویسنده در این کتاب به قصه‌نویسی در ایران نیز پرداخته و آثار چوبک، هدایت، جلال، گلستان و... را از نظرگاه‌های مختلف مورد نقد قرار می‌دهد...



حالا می‌توان اضافه کرد حتی پس از مرگش - مورد ظلم واقع شد: «همیشه امیدوار بودیم بالاخره روزی برسد که عده‌ای پیدا شوند و بگویند که بابا، آخر ظلم و حق‌کشی در مورد این شخص تا کی؟»

کارنامه ادبی دکتر رضا براهنی اما، به نقد و نظریه ادبی محدود نمی‌شود و شئونی شاخص از ادبیات خلاقه را نیز در خود گنجانده که تأثیر هم‌زمان ادبیات کلاسیک فارسی و ادبیات معاصر جهان، مختصاتی منحصر به فرد به آن بخشیده است. او از یک‌سو، شاعری جریان‌ساز بود که رویکردش به شعر را در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی و در قالب مقاله معروف «چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم؟» تئوریزه کرد و مجموعه شعر «خطاب به پروانه‌ها» را به همراه آن و در جایگاه نسخه‌ای اجرا شده از ایده‌ای که در ذهن داشت، منتشر کرد.

اگرچه که ایده عبور از نگاه نیمایی به شعر، پیش‌تر از دهه هفتاد در ذهن او شکل گرفته بود. این ایده بعدتر نیز در قالب مقالاتی دیگر دنبال شد و راهی تازه در شعر معاصر فارسی گشود. براهنی از سوی دیگر، داستان‌گویی قهار بود که هم شاخص‌ترین رمان پسامدرنیستی ادبیات معاصر فارسی به نام «آزاده خانم» و نویسنده‌اش را نوشت، هم روزگار ملتش را در قالب رمانی به نام «روزگار دوزخی آقای ایاز» در بند کلمات کشید که هیچ‌وقت رسماً منتشر نشد ولی مخاطبان جدی ادبیات فارسی آن را خواندند و تحسین کردند و هم، در قالب کی‌نول (Key Novel) دست به نگارش رمان‌هایی مانند «رازهای سرزمین من» و «آواز کشتگان» زد که مضامین و تصاویری یگانه از انقلاب ۱۳۵۷ ایران را در خود ثبت کرده‌اند.

براهنی کلامی شفاف و نافذ داشت که واجد بالاترین سطوح از قدرت انتقال بود و همین ویژگی به شکلی کارکردگرایانه در نقدهایش به کار می‌آمد. اما علاوه بر آن، در وجهی دیگر از زندگی حرفه‌ای او نیز موثر واقع شد که همان وجه معلمی بود. با چنین مختصاتی، او در سال‌های استادی دانشگاه تهران علاوه بر بنیان سرفصل‌های درسی و روش تدریس هم تلاش کرد و پس از آن، طی سال‌هایی که رسالت تدریس را در زیرزمین خانه‌اش پی گرفت به افراد و آرائی پرداخت که گاهی حتی نام‌شان به گوش دیگران نرسیده بود.



او طلایه‌دار نقد ادبی معاصر فارسی و شاخص‌ترین رهبرش در دوره گذار آن از معنای سنتی به معنای مدرن بود. او طی سال‌هایی از اصلی‌ترین ستون‌های اتکالی نقد ادبی مدرن قرار گرفت تا از آفات دوره انتقالی عبور کند و در قالب نظمی جدید برقرار شود. به همین اعتبار است که او را ریل‌گذار نقد ادبی مدرن در ادبیات معاصر فارسی می‌نامند. این جنبه از کاراکتر ادبی براهنی البته خالی از حاشیه نیز نبود؛ زیرا سبب شد بخشی از فعالیت مطبوعاتی او به جدال‌های قلمی با معاصرانش بگذرد. او بعدها به توضیح چرایی و چگونگی آن مجادلات نیز پرداخت و آنها را ایجاب زمانه‌ای که در آن می‌زیست توصیف کرد. او هیچ‌وقت در پی نگه‌داشتن حد اعتدال و میانه نبود.

برداشت غلط، کتاب‌هایی هستند پر از تناقض... آن کتاب‌ها اگر حالا چاپ نشود نباید به پای موقعیت فعلی شعری من گذاشته شود. این نکته در مورد نقد و تئوری ادبی صادق‌تر است.

این نگاه در زمانی حتی به هنگام پرداختن به نسخه‌های متفاوت یک اثر واحد نیز راهگشا و بلکه ضروری است. برای مثال، تفاوت نخستین چاپ کتاب «طلا در مس» - که می‌توان آن را شاخص‌ترین اثر براهنی در حوزه نقد ادبی توصیف کرد - با واپسین ویرایش آن که به دهه هفتاد خورشیدی بازمی‌گردد چنان است که نمی‌توان تجربه مطالعه هر یک از این دورا به یک معنی در نظر گرفت. براهنی در خلال این اثر که در آخرین ویرایش خود به سه جلد رسید و آثار دیگری همچون «قصه‌نویسی»، «روای بیدار» یا «کیمیا و خاک» که بر رابطه فلسفه و ادبیات در منظومه فکری او نور می‌تاباند، در حال برساختن یکی از شاخص‌ترین شئون زندگی حرفه‌ای خود، یعنی رضا براهنی به مثابه نظریه‌پرداز و منتقد ادبی است.

او طلایه‌دار نقد ادبی معاصر فارسی و شاخص‌ترین رهبرش در دوره گذار آن از معنای سنتی به معنای مدرن بود. او طی سال‌هایی از اصلی‌ترین ستون‌های اتکالی نقد ادبی مدرن قرار گرفت تا از آفات دوره انتقالی عبور کند و در قالب نظمی جدید برقرار شود.

به همین اعتبار است که او را ریل‌گذار نقد ادبی مدرن در ادبیات معاصر فارسی می‌نامند. این جنبه از کاراکتر ادبی براهنی البته خالی از حاشیه نیز نبود؛ زیرا سبب شد بخشی از فعالیت مطبوعاتی او به جدال‌های قلمی با معاصرانش بگذرد. او بعدها به توضیح چرایی و چگونگی آن مجادلات نیز پرداخت و آنها را ایجاب زمانه‌ای که در آن می‌زیست توصیف کرد. او هیچ‌وقت در پی نگه‌داشتن حد اعتدال و میانه نبود.

هر چه را که به آن می‌پرداخت به نهایت می‌رساند و شاید از همین رو بود که دشمنانی در نهایت کینه‌ورزی و دوستدارانی در نهایت عشق‌ورزی برای خود دست‌وپا کرد. با این همه و با تیزی نوک پیکان انتقاداتش که به سمت بسیاری نشانه رفت، نگاهی به آنچه دکتر رضا براهنی از سر گذراند نشان می‌دهد که او آنچنان که همسرش ساناز صحتی هفده سال پیش در مراسمی که برای بزرگداشت مقامش در تورنتوی کانادا برگزار شده بود اشاره داشت انسانی بود که در دوره‌های مختلف زندگی - و